خبر

جهش دیجیتال برای جذب گردشگران خارجی

معاون گردشگری وزارت میراث فرهنگی از برنامه‌ای جامع برای دوبرابر کردن گردشگران ورودی، به‌ویژه از کشورهای همسایه، طی سه سال آینده خبر داد. انوشیروان محسنی بندپی اعلام کرد که محور اصلی این تحول، راه‌اندازی پلتفرم‌های چندزبانه معرفی ایران با همکاری استارت‌آپ‌ها است تا گردشگران خارجی به «اطلاعات واقعی» و خدمات آنلاین دسترسی مستقیم داشته باشند. این اقدام، بخشی از گذار به بازاریابی دیجیتال هدفمند برای مقابله با تصویرسازی‌های نادرست و تسهیل فرآیند سفر است. در این طرح برای هر کشور همسایه بسته گردشگری مشخصی تعریف شده است؛ از گردشگری سلامت و خرید برای ترکیه و زیارت برای عراق گرفته تا گردشگری فرهنگی برای روسیه و خانوادگی برای کشورهای حاشیه خلیج فارس. همزمان فعال‌سازی مسیرهای جدید پروازی، ریلی و زمینی به همراه بررسی ایجاد گذرگاه‌های اختصاصی در مرزها، در دستور کار قرار دارد تا سفر به ایران آسان‌تر شود. محسنی بندپی با تأکید بر نقش گردشگری به‌عنوان «ابزار گفت‌وگوی فرهنگی»، افزود که مسئولیت‌های اجرایی و تبلیغاتی به بخش خصوصی و تشکل‌های صنفی واگذار خواهد شد. صدور ویزای گروهی و برگزاری هفته‌های فرهنگی ایران در کشورهای هدف نیز از دیگر برنامه‌هایی است که با هدف تقویت تصویر ایران و رشد اقتصادی دنبال می‌شود.



یادداشت

دکتر محمودرضا امینی | تحلیلگر ارشد مسائل اجتماعی

بی‌هنجاری به مثابه سلاح تمدنی



بی‌هنجاری‌های اخیر در جامعه ایـــران، بـه‌خـصـوص در قالب کشف حجاب و رفتارهای مغایر با هنجارهای اسلامی، از منظر حکمرانی اسلامی یک پدیده خودجوش فرهنگی نیست، بلکه بخشی از برنامه راهبردی تهاجم نرم دشمنان در جهت تضعیف ایمان، مقاومت و هویت تمدنی ملت ایران است. این مقاله با مرور تاریخی از کشف حجاب رضاشاهی تا فروپاشی نظم دینی در امپراتوری عثمانی و تحلیل تطبیقی جوامع غربی پساسکولار، فرضیه‌ای را بررسی می‌کند که هدف اصلی این جریان، جایگزینی ناهنجاری به‌جای هنجار برای سست‌کردن پایه‌های دینداری و انقلابی‌گری است. هدف مقاله حضر، تحلیل این پدیده به‌عنوان یک استراتژی کلان تمدنی و ارائه راهکارهای حکمرانی اسلامی برای مقابله با آن است.

مرور تاریخی ریشه‌ها و زمینه‌ها

تحلیل بی‌هنجاری‌های کنونی بدون درک بستر تاریخی آن، ناقص خواهد بود. تاریخ نشان می‌دهد که تضعیف نظم اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های دینی، همواره یکی از اهداف اصلی قدرت‌های مهاجم بوده است.

کشف حجاب رضاشاهی: سیاست جایگزینی هنجار

تجربه کشف حجاب اجباری در دوران پهلوی اول نمونه‌ای کلاسیک از تلاش برای جایگزینی -هنجار ملی مذهبی با هنجار غربی است. این اقدام نه یک تحول فرهنگی خودبه‌خود، بلکه دستورکاری سیاسی - امنیتی برای مدرنیزاسیون تحت نفوذ غرب بود.

جدایی دین از سیاست: کشف حجاب درواقع تلاشی برای حذف دین از فضای عمومی و انزوای آن به حریم خصوصی بود. این اقدام، نمادین‌ترین گسست میان ساختار حکومتی نوظهور و بدنه سنتی جامعه محسوب می‌شد.

مقدمه‌ای برای تضعیف بنیان خانواده: حجاب در فرهنگ اسلامی صرفا یک پوشش نیست، بلکه نماد عفاف، حریم‌داری و نظم خانواده است. حذف آن، گامی برای تضعیف بنیان‌های خانواده به‌عنوان سلول اصلی مقاومت اجتماعی تلقی می‌شد.

فروپاشی امپراتوری عثمانی و درس‌های آن

امپراتوری عثمانی، به‌عنوان آخرین سنگر بزرگ تمدن اسلامی، پس از مواجهه با فشارهای غرب و تلاش برای «غرب‌گرایی»، مسیری مشابه را طی کرد.

حذف خلافت: الغای خلافت در سال ۱۹۲۴، نه‌تنها یک تغییر سیاسی، بلکه یک حذف بنیادین از ساختار هویتی و تمدنی بود. این امر موجب شد تا امت اسلامی فاقد یک مرکزیت واحد هویتی شود.

سکولاریزاسیون فرهنگی: تلاش برای جایگزینی قوانین شریعت با قوانین عرفی و مدرن، پایه‌های اخلاق عمومی و نظم اجتماعی مبتنی بر دین را متزلزل ساخت و نهایتا به شکاف عمیق فرهنگی و تضعیف مقاومت در برابر نفوذ خارجی منجر شد.

بحران معنویت در غرب پساسکولار

جوامع غربی پس از گذر از مرحله سکولاریزاسیون کامل، با خلأ معنویت مواجه شدند. این خلأ، به ظهور پدیده‌هایی منجر شد که امروز به‌عنوان الگوی بی‌هنجاری صادر می‌شوند:

فردگرایی افراطی و نسبی‌گرایی اخلاقی: تضعیف نهادهای دینی به عدم وجود مبانی اخلاقی ثابت و ظهور نسبی‌گرایی منجر شد که در آن هر فردی معیار ارزش‌ها را خود تعیین می‌کند.

متن کامل

آغوش باز خانواده، گوشه رینگ مشکلات

حسین ترک‌جوش می‌گوید فیلم «سالن ۴» یادآور ارزش خانواده در جامعه است





نسرین بختیاری
گروه فرهنگ

این روزها فیلم سینمایی «سالن ۴» به کارگردانی حسین ترک‌جوش و تهیه‌کنندگی روح‌الله حجازی در حال اکران است. این فیلم برای اولین‌بار در بخش ویژه چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد. داستان این فیلم در جنوب شهر روایت می‌شود و درباره سعید به‌عنوان خلافکاری است که به‌دلیل خطاهای مختلف تحت تعقیب پلیس و دیگر خلافکاران است. او از خلاف کردن و چرخه بی‌پایان این سبک زندگی خسته و در عین‌حال برای خروج از کشور در جایی مخفی شده است، تا این‌که اتفاقی مربوط به خانواده‌اش موجب می‌شود از مخفیگاه خود خارج شود و درصدد انتقام برآید. موضوع این فیلم به نوعی یادآور نقش خانواده برای گذر از بحران است. سالن ۴ از ۲۳ مهر روی پرده سینماست و متأسفانه تبلیغات خوبی برای آن اتفاق نیفتاده و بسیاری حتی از موجودیت این فیلم روی پرده خبر ندارند. اکران این فیلم موجب شد که با حسین ترک‌جوش، کارگردان این فیلم صحبت کنیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید:

چه تجربه یا موضوعی شما را به ساخت اولین فیلم بلندتان سوق داد؟

من در جنوب شهر و در محله‌ای زندگی کردم و بزرگ شدم که اتفاقاتی نظیر آنچه در فیلم رخ می‌دهد از نزدیک مشاهده کردم. طرح فیلم سالن ۴ به شش تا هفت سال پیش برمی‌گردد که بعد از نوشتن، دنبال جذب سرمایه بودم تا این اتفاق افتاد و با پدرام افشار و بعد هم با سرمایه‌گذار صحبت کردیم. من به طرح این فیلم براساس پرتره یک آدم واقعی رسیدم که با او در ارتباط بودم و از او درباره سرگذشتش می‌پرسیدم. او بعد از سال‌ها از خلاف‌های بزرگ و کلان خسته شده بود و می‌خواست توبه کند.

همکاری شما با آقای حجازی به عنوان تهیه‌کننده که خودشان کارگردان هستند و حساسیت‌هایی در رابطه با ساخت فیلم دارند، چطور رقم خورد؟

وقتی روزهای اول درباره این سوژه با آقای حجازی صحبت کردم، برای‌شان جذابیت داشت که قرار است فیلمی را تهیه کند که از چارچوب فکری خودش دور است. خوشبختانه ایشان این ریسک را کرد و پای کار آمد. قبل از آن نیز ایشان فیلم‌های کوتاهم را دیده بود و شاید همه اینها باعث شد که بپذیرند و کار را با هم پیش ببریم. تعاملاتم با آقای حجازی بیشتر حول توضیح سوژه و ضرورت کارکردن آن بود؛ زمانی که به بحث تولید رسیدیم، باز هم این تعاملات ادامه داشت تا به ساخت فیلم رسیدیم.

با توجه به این‌که فیلم زندگی یک شخص واقعی را روایت می‌کند؛ تا چه اندازه براساس واقعیت و چقدر براساس داستان و جهان فکری خودتان پیش رفتید؟

ما ۲۰ تا ۳۰ درصد زندگی این شخص را در فیلمنامه آوردیم و بقیه آن مربوط به قصه‌گویی بود که باید داستان با زبان سینما روایت می‌شد. از ابتدا هم می‌دانستم قصه کامل آن شخص روی کاغذ اتفاق خوبی را رقم نمی‌زند و در صحبت‌هایی که با پدرام افشار داشتیم به این نتیجه رسیدیم که قصه به‌طور کامل باید شکل سینمایی به خود بگیرد. از طرف دیگر روح‌الله حجازی نیز به‌عنوان مشاور کنارم بود و مشاوره‌های فیلمنامه‌ای که می‌داد، واقعا خیلی به ما کمک کرد.

مفهوم انتظار در فیلم خیلی پررنگ است؛ نه فقط شخصیت اصلی یعنی آقای کی‌مرام، بلکه زنان و شخصیت‌های دیگر دنبال یک اتفاق هستند تا خودشان را از آن طبقه اجتماعی و شرایطی که در آن گرفتارند، بالا بکشند اما زمان آن مشخص نیست و بلاتکلیفند.

در فضای جنوب شهر، این انتظار همیشه بوده و هست و شخصیت‌هایی که آنجا زندگی می‌کنند، واقعا هیچ ایده‌ای در مورد فردای خودشان ندارند و همیشه در انتظارند که ببینند چه می‌توانند انجام دهند تا خودشان را از منجلابی که در آن قرار گرفته‌اند، بیرون بکشند. این برگرفته از زیست خودم و شناخت عیان از شخصیت‌هایی بود که در این محله‌ها زندگی می‌کردند. سعی کردم با بازیگران صحبت کرده و متقاعدشان کنم و در اصل این بلاتکلیفی را نمایش دهم.

رابطه بین آدم‌های فیلم پر از ترس و میل به دیده شدن است؛ یعنی شخصیت اصلی هم نمی‌خواهد دیده شود، هم جایی تصمیم می‌گیرد دیده شود و دیگر برایش اهمیت ندارد چه می‌شود. برای ترسیم این احساسات پیچیده چطور با آقای کی‌مرام هم‌نظر شدید؟

شخصیت اصلی زمانی کنش اصلی را شروع می‌کند که بحث خانواده یا ناموس مطرح می‌شود. میلاد خیلی همگام با من، نویسنده و تهیه‌کننده کار بود و سعی می‌کرد بیشتر بشنود و دریافت کند تا این‌که ایده‌های عجیب و غریب بدهد. شخصیت سعید بعد از یک انتظار؛ یعنی وقتی خسته شده و می‌خواهد از ایران برود، به اینجا می‌رسد که دوباره کسی که در زندگی‌اش بوده و دوستش داشته، برمی‌گردد و می‌بیند به کمک نیاز دارد. آنجاست که دوباره برای نجات خانواده و عشق خود برمی‌گردد و پیامد رویارویی با آدم‌هایی که قصد جانش را دارند نیز برایش مطرح نیست.

این فیلم به‌هرحال به نوعی یادآور ارزش نهاد خانواده در جامعه است؛ به‌عبارتی شخصیت اصلی تناقضی بین میل به فرار از کشور به خاطر جرم‌هایی که مرتکب شده و حفاظت و حمایت از خانواده دارد.

بله، اکثر فیلم‌هایی که امروز در جامعه می‌بینیم، متناقض با نهاد خانواده است. واقعیت این است که وقتی اسم فیلم اجتماعی می‌آید، انگار می‌رویم که صرفا شاهد یکسری بدبختی باشیم و متأسفانه پیام چندانی برای مخاطب که آن را دریافت کند و به فکر فرو برود، ندارد. اتفاقا در اتاق فکری که داشتیم، بحث خانواده برای ما حائزاهمیت بود؛ به این دلیل که می‌خواستیم خلاف این رودخانه شناکنیم و فیلم اجتماعی بسازیم که پیامی برای مخاطب و حتی آن خلافکاری که فیلم را می‌بیند، داشته باشد و از دیدن آن تکانی بخورد و از خلاف‌هایی که انجام می‌دهد، متأثر شود و بداند در چه راهی قدم می‌گذارد. برای ما این پیام خیلی مهم بود و حتی یک دیالوگ داخل فیلم گذاشتیم که سرگرد به سعید می‌گوید: «تو به‌خاطر دوست داشتن خانواده‌ات به این روز دچار شدی» و او نیز می‌گوید: «اسم خانواده منو نیار!»

چطور برای نقش اصلی(سعید)، میلاد کی‌مرام را انتخاب کردید؟

میلاد کی‌مرام در گذشته چنین فضایی را لمس، درک و بازی کرده است. می‌دانستم خودش در انزلی در محله‌ای زندگی کرده که با این شرایط به‌طور کامل آشناست و روز اولی که با یکدیگر در رابطه با شخصیت سعید صحبت داشتیم، به توانایی‌اش برای ایفای این نقش اعتماد داشتم. او در این رابطه صحبت کرد که دوست ندارد نقشی که بازی می‌کند شبیه دیگر شخصیت‌هایی باشد که در گذشته مخاطبان از او دیده‌اند. خوشبختانه در این رابطه به تعامل خوبی رسیدیم و فکر می‌کنم در میان فیلم‌های سینمایی که میلاد تا به حال کار کرده، سالن ۴ جزو بهترین‌ها بوده است.

همکاری با آقای قصابیان به‌عنوان شخصیت بازپرس چطور رقم خورد؟

آقای قصابیان سر یکی دو تا کار بودند و لطف داشتند. زمانی که قرار گذاشتیم، آمدند دفتر، گفتند فیلمنامه را خواندم و خیلی دوست دارم. باعث افتخارم بود که بتوانم با بزرگمردی مثل ایشان کار کنم. راجع به قصه صحبت کردیم و خودشان هم خیلی از این می‌ترسید که شبیه پیمان معادی در «متری شیش و نیم» نشود اما متقاعدش کردم که شکل قصه و شخصیت به چه نحوی است و فرق می‌کند. خوشبختانه ماحصل نقش هم خیلی خوب درآمده و دوست‌داشتنی است. بالاخره او مأموری است که به‌دلیل داشتن گذشته‌ای شبیه نقش اصلی، از عاقبت کار باخبر است و نگاهش نسبت به شخصیت اصلی برادرانه است.

طراحی صحنه و قاب‌بندی‌ها، خیلی حال و هوای خاصی دارد؛ بعضی جاها انگار شخصیت اصلی - میلاد کی‌مرام - و دیگران در جایی گیر افتاده‌اند که راه فرار ندارند. ترسیم این فضا به چه نحوی بود؟

وقتی در فضای نئوکلاسیک قدم برمی‌دارید، به‌طور قطع ماحصل آن باید روبه‌روی دوربین دیده شود. حتی صحنه و میزانسنی که چیده می‌شود نیز باید به فضای نئوکلاسیک نزدیک باشد. هرچه داخل این فیلم می‌بینیم مثل فضای پلیس امنیت، نمود بیرونی و واقعی دارند و با تحقیق و مشاهده این فضاها را در فیلم نشان می‌دهیم. بر همین اساس تعداد فضاهای بسته و نورهای سرد بیشترند. به‌عبارتی انگار فضا در حال خفه کردن شخصیت‌های داستان است.

از ابتدا خودتان چنین ایده‌ای برای طراحی صحنه داشتید یا در مسیر فیلمبرداری و تدوین به آن رسیدید؟

شاید در ابتدا این تصور را داشتم که فیلم باید هایپررئال و مستندگونه‌تر باشد اما براساس صحبت‌هایی که با دوستانم از جمله مشاورم روح‌الله حجازی داشتم، به این نتیجه رسیدیم که از فضای دیگر فیلم‌های اجتماعی دور باشد.

این فیلم به‌رغم این‌که به مفاهیم خوبی اشاره می‌کند و به نظر خوش‌ساخت است اما تبلیغات خوبی به آن ندادند؛ حتی بعضی نمی‌دانند چنین فیلمی روی پرده سینما هست. چرا صدایی از این فیلم درنمی‌آید؟

وقتی یک فیلم مستقل ساخته شده و سرمایه‌گذارهای مستقلی داشته، در بحث تبلیغات معمولا با مشکل مواجه می‌شود، چون برای تبلیغات باید هزینه کرد. سینمای مستقل همچنان مهجور و مظلوم است و کسی به آن نگاه خاصی ندارد؛ مگر این‌که فیلمساز وابسته به نهاد یا سازمانی باشد یا این‌که پولی داشته باشد که در زمینه تبلیغات مجازی و... سرمایه‌گذاری کند. هرچقدر برای تبلیغات سرمایه‌گذاری کنیم، ۱۰ برابر آن برمی‌گردد اما سرمایه‌گذاران ما بودجه اضافه بر سازمان برای تبلیغات نداشتند و کسی هم در این رابطه به ما کمک نکرد. بنابراین ما سعی کردیم در شبکه‌های مجازی سر و صدایی داشته باشیم و تبلیغات فیلم هم دهان به دهان میان مردم بچرخد.



شما بعد از این فیلم باز هم فیلمی در این فضا می‌سازید یا خیر؟...

من طرح یک فیلمنامه را دارم به نام «عفت» که قصه‌ای زنانه است. قصه عفت راجع به خانم خلافکاری است که اتفاقاتی برایش رقم می‌خورد و قصه‌ای اجتماعی است.

برش

خانواده؛ مأمن آدم‌ها

حسین ترک‌جوش درباره فیلم سالن ۴ به جام جم گفت: پیام اصلی این فیلم خانواده‌گرایی است. به عبارتی خانواده باعث می‌شود که افراد در شرایط سخت کنار هم بمانند. دوم این‌که سال‌هاست از بحث ناموس‌پرستی دور شدیم. سینمای اجتماعی ما سال‌هاست در این زمینه قهرمان زیادی نداشته است. درست است که شخصیت اصلی این فیلم خلافکار است اما مخاطب با او همذات‌پنداری می‌کند و متوجه می‌شود که او از سر ناچاری دست به کار خلاف زده است. در واقع شخصیت اصلی، سعید یک قیصر مدرن محسوب می‌شود و فیلم ادای دینی به سینمای آقای کیمیایی دارد.

قاب

«گلوریا» به خط پایان رسید

فیلمبرداری فیلم سینمایی «گلوریا» به نویسندگی و کارگردانی بابک برجسته در تهران به روزهای پایانی خود رسید. این اثر که براساس طرحی از زنده‌یاد علی برجسته ساخته شده، داستان زنی را در بحبوحه جنگ ۱۲روزه روایت می‌کند. کامران تفتی، محمدرضا داوودنژاد و مهدی سلوکی از بازیگران اصلی این فیلم هستند و محمدحسین لطیفی، کارگردان سرشناس، علاوه بر مشاوره، در نقشی متفاوت به‌عنوان یک جراح زیبایی مقابل دوربین رفته است. تدوین فیلم توسط کاوه ایمانی همزمان با تولید آغاز شده و همچنان ادامه دارد.



تولید

خانم بازیگر کارگردان می‌شود



السا فیروزآذر، بازیگر و کارگردان، تازه‌ترین اثر سینمایی خود با نام «دیلیت» را با موضوع چالش‌های زندگی مشترک مقابل دوربین می‌برد. تهیه‌کنندگی این فیلم اجتماعی را تهمینه میلانی، فیلمساز سرشناس برعهده گرفته و فیلمنامه‌اش که نگارش آن ۱۰ سال به طول انجامیده، به مسأله حساس «سرد شدن روابط زناشویی» می‌پردازد. این پروژه که هم‌اکنون در مرحله دریافت پروانه ساخت قرار دارد، قرار است در ماه‌های آینده فیلمبرداری خود را آغاز کند. فیروزآذر که خود از سرمایه‌گذاران فیلم نیز هست، دغدغه اصلی‌اش برای ساخت این اثر را نبود آموزش‌های لازم برای مواجهه با عادی‌شدن روابط در زندگی مشترک عنوان کرده است. این فیلم دومین تجربه کارگردانی مهم فیروزآذر پس از موفقیت تله‌تئاتر «هزار و یک تو» محسوب می‌شود؛ اثری که جایزه بهترین کارگردانی را از چهلمین جشنواره تئاتر فجر برای او به ارمغان آورد. اکنون او با دیلیت، گام جدی‌تری در عرصه کارگردانی سینما برمی‌دارد و به سراغ یکی از مسائل مهم اجتماعی رفته است.

رویداد

فیلم‌های ۲ بخش از جشنواره فیلم شهر معرفی شدند



دبیرخانه نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم شهر، فهرست ۵۹ فیلم راه‌یافته به دو بخش رقابتی «محله» و «ترافیک» را منتشر کرد. این آثار که عموما فیلم‌های کوتاه هستند، برای پرداختن به مسائل و موضوعات مرتبط با زیست شهری انتخاب شده‌اند و نگاه فیلمسازان به چالش‌ها و فرصت‌های زندگی در کلانشهرها را به تصویر می‌کشند. در بخش محله، ۱۹ فیلم کوتاه برای کسب جایزه با یکدیگر رقابت می‌کنند که آثاری با عناوینی چون «پرواز یک چتر»، «تکیه‌گاه» و «نفس عمیق» در میان آنها به چشم می‌خورد. بخش ترافیک نیز با گستردگی بیشتر، میزبان ۴۰ اثر خواهد بود که فیلم‌هایی نظیر «ایست عاشقی»، «پازل ترافیک» و «مسیر سبز» در آن به نمایش درمی‌آید. این انتخاب نشان‌دهنده تمرکز ویژه جشنواره بر فرهنگ شهرنشینی، روابط اجتماعی و معضلات حمل‌ونقل شهری است. نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم شهر به دبیری مریم پیرکاری، از ۱۹ تا ۲۲ آبان ۱۴۰۴ در پردیس سینمایی ملت برگزار خواهد شد.